

رویدادهای مهم تاریخی

حاورستان

از سقوط امپراتوری عثمانی تا به امروز

گروه پژوهش‌های تاریخی
زینر نظری - محسن میرزایی



زینال‌آزیز پناهپور رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده آمریکا



کیسینجر، وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده آمریکا

دنیاله تحلیل کیسینجر از بحران کانال سوئز
در حمله به کانال سوئز، دولت فرانسه و انگلستان با اتخاذ یک استراتژی نظامی غلط، آشکارا بخش مهمی از الملی را برای خود خریدند.
آنچه هیچ کس روی آن حساب نکرده بود عکس العمل شدید آمریکا بود. ایالات متحده بیست و چهار ساعت پس از اولین حمله اسرائیل به کانال سوئز قطعنامه شدیداللحنی تسلیم شورای امنیت کرد و به نیروهای مسلح اسرائیل دستور داد، هر چه سریع تر به پشت خطوط تعیین شده در زمان حمله، عقب نشینی کنند.

مسئله حائز اهمیت این بود که در این قطعنامه هیچ گونه اشاره‌ای به «تورریسم مصری» یا محاصره غیرقانونی «خلیج عقبه» توسط اعراب به چشم نمی خورد.

«زینال آیزنهاور» رئیس جمهوری ایالات متحده همان روز به وسیله تلویزیون پیامی فرستاد و اظهار داشت: «همان گونه که اتخاذ چنین تصمیماتی حق مسلم هر یک از این کشورهاست، ما هم حق داریم با آنها اختلاف عقیده داشته باشیم. ما معتقدیم که این اعمال بنا به عقاید نادرستی اتخاذ گشته زیر استفاده از زور راه مناسبی جهت حل و فصل منازعات بین المللی نیست.»
البته باید در نظر داشته باشیم که چشم پوشی غیر مشروط از قدرت، اصلی نبود که دولت آیزنهاور همیشه به کار برده باشد، مثلاً این آمریکا بود که دو سال پیش از آن مقدمات سرنگونی دولت

عمیق ترین عواقب بحران سوئز از هر دو سوی کانال به درون اروپای مرکزی کشیده شد. «انورالسادات» که در آن زمان وزیر تلبلیفات مصر بود در روز نهم نوامبر ۱۹۵۶ اظهار داشت: «اتکون تنها دو ایر قدرت در دنیا وجود دارد، ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی، انگلستان و فرانسه قدرت هایی هستند که نه بزرگ اند و نه قدرتمند!»

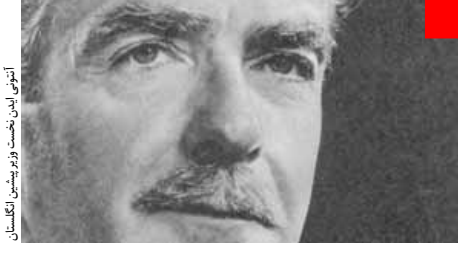


درک در که مصر اغتشاش و هرج و مرج می شود!
به هر تقدیر این، کار خود را کرد و بهای آن راه که بر براد رفتن تمام سوابق درخشان کاری و حیثیتش بود، پرداخت.
«ایده» که وضع مزاجی اش با شکست نظامی در کانال سوئز روز به روز بحرانی تر می شد، از استراحتگاه خود در «جامائیکا» به لندن آمد و در ۱۸ دسامبر ۱۹۵۶ به کمیته پرنفوذ حزب محافظه کار گزارشی را تقدیم کرد و به طور تلویحی گناه شکست و سرشکستگی انگلستان را به گردن آمریکا بیاورد.

«ایده» تصور نمی کرد که کابینه اش به این زودی سقوط کند، اما به سرعت پایه های قدرتش سست شد. سقوط «ایده» بیشتر معلول دو چیز بود: نخست اینکه نمایندگان «حزب کارگر» سرخا در برابر او موضع گرفتند و گفتند حمله به کانال سوئز تلافی نوده و قبلاً برنامه ریزی هایی شده است و این یک نظریه کاملاً درست بود.
دیگر اینکه: «صراحتاً دروغ گفت و اظهار کرد که: «به هیچ وجه از اینکه اسرائیل به کانال سوئز حمله خواهد کرد، اطلاع نداشته است.»
در این هنگام «ایده» علیل شده بود و مجبور بود کابینه را رها کرده رخصمی استعلاجی خود تمدید کند و در غیاب او «مک میلان» که وزیر دارایی او بود زیر پایش را است کرد و خود به جای او نخست وزیر شد.
«مک میلان» در گزارشی به هیأت

و زخمی داد، یادگاه مهم نظامی اش در دهانه خلیج عقبه نیز به تصرف اسرائیل درآمد، اما در برابر آنچه از دست داد، پیروزی های بزرگ تری را به دست آورد.
مهم ترین فایده این جنگ برای مصر این بود که ترس مردم ریختن افراد غیر نظامی در چند مورد در برابر دشمن جانانه مقاومت کردند و برخلاف پیش بینی مجاوران مردم به جای قیام علیه ناصرو، پشت سر او ایستادند و جمال عبدالناصر ناگهان به صورت قهرمان جهان عرب مطرح شد. «صلاح الدین ایوبی» جلوه گر شد. «صلاح الدین ایوبی» وزیر خلیفه فاطمی مصر بود که در جنگهای فلسطین و آسیای غربی بیرون کرد.
پیروزی مصر در این بحران تأثیرات برون مرزی و منطقه‌ای گسترده‌ای داشت. مهم ترین تأثیر خارجی این بحران سقوط کابینه انگلستان بود.
«ایده» نخست وزیر انگلستان که پیش از آن دولت مصدق را در ایران ساقط کرده بود، این بار توسط کسی که به شدت او نفرت داشت، یعنی جمال عبدالناصر سقوط کرد.
ناصر نام برای «ایده» یک کابوس بود. او حاضر نبود که حتی نام او را بشنود. در مارس ۱۹۵۶ که در کابینه دولت انگلستان بحران آفرینی های ناصر مورد بررسی قرار گرفته بود، یکی از همکاران «ایده» به نام «تاتینگ» که برای شنیداری برای جست و جوی یک راه حل سیاسی جهت مهار کردن مسالمت آمیز ناصر به کابینه زور داده بود، این گزارش

منتهی گردید.
در این هنگام سوئیه نیز به سیاست رادیکالی روی آورد. نتیجتاً آن جا که ایالات متحده عملاً جانشین موقعیت از دست رفته فرانسه و بریتانیا در خاورمیانه شده بود امام خشم رادیکالیسم ناصر شد تا آن جا که در سال ۱۹۶۷ به قطع روابط دو کشور منتهی گردید.
پس آمد دیگر این که دولت ایالات متحده آمریکا بعد از بحران کانال سوئز توانست اینچنان که شاید و باید موضوع خود را در میان بقیه دولت های غیر متعهد نوسعه بخشد، البته این بدان معنا نیست که تمایلات کشورهای غیر متعهد نسبت به آمریکا ناگهان دستخوش آسیب شده بود بلکه این نظر بود که دولت های غیر متعهد به قدرت خود بی برده بودند.
برای اطلاع بیشتر از جریان ملی شدن کانال سوئز رجوع کنید به: «کتاب ناصر - مؤسسه نشرات امریکایی» نوشته یوتیتر مسلیله، ترجمه محمدرضا جعفری چاپ دوم - سال ۱۳۴۹ و «کتاب ناصر، نوشته آنتونی تانینگ - ترجمه عبدالله گلدری نشر امیرکبیر سال ۱۳۵۳ و «کتاب تاریخ جهانی نفت» اثر «دانیل پرگن» ترجمه شادروان غلامحسین مصاحب - ج ۲



آیتولای خمینی

دولت ورشکستگی مالی انگلستان را به «مک میلان»، صراحت اعلام کرد. «مک میلان» خاطرنشان کرده بود که تنها ایالات متحده آمریکا می تواند انگلستان را از ورشکستگی نجات دهد. در این میان دولت ایالات متحده نیز تنها در برابر عقب نشینی بی قید و شرط نیروهای متجاوز حاضر بود به انگلستان کمک مالی دهد.
«مک میلان» که گزارشش را به کابینه کانال سوئز ۱۹۵۶ تسلیم کابینه انگلستان نمود، خاطرنشان ساخته بود که انگلستان در ماه نوامبر ۱۹۵۶، ۲۷۰ میلیون دلار از دست داده است.

ایران مقامات انگلستان و به عبارت بهتر اتمتس آنها به مقامات آمریکایی این بود که کمک مالی همزمان با عقب نشینی صورت پذیرد. «همفری» که تا آن زمان در برابر انگلستان موضع بسیار سختی داشت، می گفت: فقط به شرط روشن شدن چراغ سبز می توانیم انتظار سریع داشته باشیم. به عقب نشینی سریع متجاوزان از کانال سوئز در گنجینه آمریکا بود که روی انگلستان باز شد و موجب فراهم آمدن کانال سوئز برای پر کردن خزانه نهدی خود ۵۶۱ میلیون دلار از بانک ملی المللی وام بگیرد، به اضافه ۲۲۸ میلیون اعتبار برای آینده، بانک صادرات آمریکا نیز وامی به مبلغ ۵۰ میلیون دلار در اختیار دولت انگلستان گذاشت. در ضمن علاوه بر دست و دل بازی های مالی، حمایت لفظی مقامات آمریکایی آغاز شد. آیزنهاور و نیکسون، معاون رئیس جمهوری و سایر مقامات بار دیگر مراتب حمایت خود از انگلستان را اعلام داشتند. (نهم ژانویه ۱۹۵۶)

ادامه دارد

ایدهای دیگر بحران سوئز این بود که عبدالناصر از آن پس تلویتس با تحکیم مواضع خود، حلات خویش را به دولت های میانه رو و طرفدار غرب تشدید کرد.
از بی ایده های دیگر، سقوط دولت طرفدار غرب در سرزمین عراق بود (کودکای عبدالکریم قاسم) که به تدریج به عقب نشینی کردند، مصر فاتح نهایی جنگ شد. البته مصر دور هزار تن کشته

ایده دیوانه وار فریاد زد:

می خواهیم سر به تنش نباشد، فهمیدی؟

ناصر باید برکنار شود

تبدیل شد که نهایتاً به استقرار رژیم صدام منتهی گردید.
در این هنگام سوئیه نیز به سیاست رادیکالی روی آورد. نتیجتاً آن جا که ایالات متحده عملاً جانشین موقعیت از دست رفته فرانسه و بریتانیا در خاورمیانه شده بود امام خشم رادیکالیسم ناصر شد تا آن جا که در سال ۱۹۶۷ به قطع روابط دو کشور منتهی گردید.
پس آمد دیگر این که دولت ایالات متحده آمریکا بعد از بحران کانال سوئز توانست اینچنان که شاید و باید موضوع خود را در میان بقیه دولت های غیر متعهد نوسعه بخشد، البته این بدان معنا نیست که تمایلات کشورهای غیر متعهد نسبت به آمریکا ناگهان دستخوش آسیب شده بود بلکه این نظر بود که دولت های غیر متعهد به قدرت خود بی برده بودند.
برای اطلاع بیشتر از جریان ملی شدن کانال سوئز رجوع کنید به: «کتاب ناصر - مؤسسه نشرات امریکایی» نوشته یوتیتر مسلیله، ترجمه محمدرضا جعفری چاپ دوم - سال ۱۳۴۹ و «کتاب ناصر، نوشته آنتونی تانینگ - ترجمه عبدالله گلدری نشر امیرکبیر سال ۱۳۵۳ و «کتاب تاریخ جهانی نفت» اثر «دانیل پرگن» ترجمه شادروان غلامحسین مصاحب - ج ۲

درست به هنگامی که نیروهای نظامی اش رزمندگان آزادی بخش مجارستان را قلع و قمع می کردند جرات آن را پیدا کرده بود که به قول خودش برای فریبانیان امپریالیسم غرب اظهار تأسف و دلسواری کند.
«بولگائین» در نامه خود به زینال آیزنهاور «خواستار مداخله مشترک روسیه شوروی و آمریکا در کانال سوئز شده بود که این پیشنهاد بلافاصله از سوی رئیس جمهور ایالات متحده رد شد، رئیس

یک از مخاطبان خود را به گونه ای تهدید کرده بود. «بولگائین» در نامه خود برای «ایده» نخست وزیر انگلستان برای اولین بار به طور آشکار جهان غرب را به استفاده از سلاح موشکی تهدید کرده بود.
«بولگائین» علاوه بر تهدید استفاده از سلاح موشکی نوشته بود: «ما کاملاً مصمم هستیم که با استفاده از زور متجاوزان نابود کرده و صلح را در مشرق زمین حکمفرما کنیم.»
نامه «بولگائین» برای نخست وزیر

«گواتمالا» را فراهم کرده بود و یا دو سال بعد از آن زینال آیزنهاور با اعزام نیروهای آمریکایی به خاک لیبان این اصل را زیر پا گذاشت.
به هر تقدیر در ماجرای کانال سوئز این اولین و آخرین بود که ایالات متحده دوشادوش اتحاد جماهیر شوروی علیه نزدیک ترین متحدانش رای می داد.
اولیتما اتحاد جماهیر شوروی بدین ترتیب اختلاف آشکار میان آمریکا و متحدان اروپایی اش به مسکو

پس لرزه های بحران سوئز در خاورمیانه

بعد از بحران کانال سوئز، در منطقه خاورمیانه اتفاقاتی افتاد که تماماً به سود ناصر بود و به استقرار حکومت او انجامید. این رویدادها به اختصار از نظر خوانندگان گرامی می گذرد:
از آنجا که نفوذ کمونیسم در سوریه روزافزون بود، جهان عرب می ترسید سوریه به دامن کمونیست ها بیفتد. از این رو سوریه ها از ناصر خواستند که سوریه و مصر متحد شوند. در فوریه سال ۱۹۵۷ این اتحاد عملی شد و شرح مفصل آن را در شماره های آینده خواهیم خواند.
ملک سعود که به دشمنی با ناصر معروف بود، جای خود را به برادرش «ملک فیصل» داد. ملک فیصل در آن زمان به طرفداری از ناصر شهرت داشت.

اسرائیل تهدید آمیزتر بود. نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی خاطر نشان کرده بود که: «اقدامات اسرائیل موجودیت اسرائیل را به عنوان یک کشور به خطر می اندازد.»
مهم تر از همه این که «بولگائین» در نامه خود به زینال آیزنهاور نوشته بود: «اگر این جنگ متوقف نشود ممکن است جنگ جهانی سوم آغاز شود.»
بدین ترتیب اتحاد جماهیر شوروی

فرستاد تا با کم ترترین خطر، نقش پشتیبانی از مصر را بر عهده گیرد. «شیلو» در امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی به رئیس شورای امنیت و «مارشل بولگائین» (Bulgamin) نخست وزیر روسیه شوروی برای آیدن، نخست وزیر انگلستان و «گی موله» نخست وزیر فرانسه و «دوید بن گورون» نخست وزیر اسرائیل نامه های آینده خواهد فرستاد.
نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی هر

جمهور آمریکا به پنهان اولیتما اتحاد جماهیر شوروی، فشار خود را بر فرانسه و انگلستان بیشتر کرد و نخستین نتیجه آن سقوط انگلیسی لیره استرلینگ در بازار جهانی بود و دولت ایالات متحده به عدلیه برخلاف گذشته از کمک مالی به انگلستان خودداری نمود.
پای تاب های بحران سوئز عمیق ترین عواقب بحران سوئز از هر دو سوی کانال به درون اروپای مرکزی

اجازه نداد این حقیقت را تصدیق کند که فشارهای آمریکا او را اجابت داده است. از ایده های دیگر بحران سوئز این بود که عبدالناصر از آن پس تلویتس با تحکیم مواضع خود، حلات خویش را به دولت های میانه رو و طرفدار غرب تشدید کرد.
از بی ایده های دیگر، سقوط دولت طرفدار غرب در سرزمین عراق بود (کودکای عبدالکریم قاسم) که به تدریج به عقب نشینی کردند، مصر فاتح نهایی جنگ شد. البته مصر دور هزار تن کشته

فرستاد تا با کم ترترین خطر، نقش پشتیبانی از مصر را بر عهده گیرد. «شیلو» در امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی به رئیس شورای امنیت و «مارشل بولگائین» (Bulgamin) نخست وزیر روسیه شوروی برای آیدن، نخست وزیر انگلستان و «گی موله» نخست وزیر فرانسه و «دوید بن گورون» نخست وزیر اسرائیل نامه های آینده خواهد فرستاد.
نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی هر